لکل شیء وجه و وجه دینکم الصلاة

هر چیز دارای سیماست ، سیمای دین شما نماز است.

تازه‌های نشر

«فلسفه تمدن اسلامی؛ چیستی، مبانی و مراحل» منتشر شد

کتاب «فلسفه تمدن اسلامی؛ چیستی، مبانی و مراحل» نوشته سید علیرضا واسعی در ۳۲۵ صفحه به چاپ رسید.

به گزارش روابط عمومی نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، «فلسفه تمدن اسلامی؛ چیستی، مبانی و مراحل» اثر سید علیرضا واسعی است که در پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه منتشر شد.

بیش از دو دهه است که رهبر معظم انقلاب، راهبر اصلی انقلاب اسلامی را تمدن اندیشی و تمدن‌سازی برشمرده و دیدگاه‌های روشن و عمیقی را در این موضوع بیان کرده‌اند. در این میان، پژوهشکده اسلام تمدنی مأموریت اصلی خویش را تأمین پشتوانه‌های علمی تمدن نوین اسلامی - ایرانی از طریق نگرش به اسلام به مثابه دین تمدن‌ساز و توانمند در برپایی جامعه متعالی تعریف کرد و مطالعات و پژوهش‌های مربوط به «ضعف بینش تمدنی معطوف به تمدن نوین اسلامی» را به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تمدن‌ساز در دستور کار خویش قرار داد.

اثر پیش رو در راستای تعمیق بحث‌های تمدنی و تقویت فضای گفتمانی و جریان‌سازی در ساحت تمدن با هدف تبیین چیستی تمدن اسلامی و پردازش مبانی، اصول، عناصر و مؤلفه‌های تمدن و بازخوانی ادوار و مراحل آن و دستیاب کردن گوهر تمدن با نگاهی فلسفی - تاریخی به رشته تحریر در آمده است.

این کتاب در پنج فصل تألیف شده است: فصل نخست به جایگاه و اهمیت گفت‌وگوی تمدنی و ضرورت پرداختن به فلسفه تمدن اسلامی اختصاص یافته است. همچنین رویکردهای کلانی را که در دوره کنونی معطوف به تمدن ابراز شده و دغدغه‌های تمدنی را کانون گفت‌وگوها قرار داده، به بحث و مداقه گرفته است.

فصل دوم به تبیین فلسفه تمدن اسلامی و مبانی آن عنایت دارد و در آن از معنای تمدن و تمدن اسلامی، فلسفه و مراد از آن در فلسفه‌های مضاف، فرهنگ و آنچه در آن در مطالعات تمدنی ارائه می‌شود، مبانی تمدن اسلامی و در نهایت مراد از اسلام سخن به میان می‌آورد و در ادامه فلسفه تمدن اسلامی مورد خوانش واقع می‌شود.

نگاه حاکم بر این فصل آن است که تمدن امری انسانی و رهاوردی بشری است؛ یعنی پیش از او و در طبیعت وجود نداشته و اگر از سوی خداوند و با وساطت پیامبران بر آدمیان وحی‌ای نازل شده تا جامعه‌ای انسانی سامان دهد، باز در ظرف وجود آدمیان رنگ می‌یابد و اثر می‌کند و طبعاً اگر پذیرشی از سوی آدمیان نبود، چیزی به نام تمدن شکل نمی‌گرفت.

«چیستی تمدن اسلامی و ارکان و ویژگی‌های آن» که موجب تمایز آن با تمدن‌های دیگر می‌شود، در فصل سوم بیان می‌شود. اقوال گوناگونی که در این باره بیان شده، در حد ضرورت و مجال کتاب، ارزیابی و به اجمال نشان داده می‌شود که این تمدن از چه زمانی هویت می‌یابد و در چه حوزه‌هایی با تمدن‌های دیگر مرز و تمایز پیدا می‌کند.

در ادامه این فصل و در فصل چهارم، مبانی و بنیادهای تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در آن اصول و مبناهایی که به شکل تمدن متمایز از تمدن‌های دیگر با عنوان اسلامی شده مورد کاوش و مداقه قرار می‌گیرد.

در پنجمین و آخرین فصل از این اثر، مسیر حرکت تمدن اسلامی بر پایه دغدغه‌های بیان شده به تصویر کشیده شده است.

موعظه

آیت‌الله حائری شیرازی

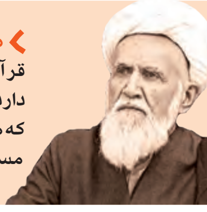

مسائل زندگی مثل حل جدول است

قرآن، محکم و متشابه دارد؛ حوادث زندگی هم محکم و متشابه دارد. پیشامدهایی که برای انسان به وجود می‌آیند، تصمیماتی که می‌خواهد بگیرد، همگی محکم و متشابه دارد. مسائل زندگی مثل حل «جدول کلمات متقاطع» است. جدول کلمات متقاطع هم محکم و متشابه دارد. این جدول کلمات متقاطع، یک عبرتی است برای انسان. به شما توصیه می‌کنم چند بار جدول کلمات متقاطع را حل کنید؛ نه به خاطر تفریح بلکه به خاطر اینکه مسئله محکم و متشابه دستتان بیاید. شما چه جوری این جدول را حل می‌کنید؟ وقتی می‌خواهید این جدول را حل کنید ابتدا یک مروری در افقی‌ها می‌کنید، یک مروری هم در عمودی‌ها. جواب‌هایی برای هرکدام از سؤالات در ذهنتان می‌آید. بعضی‌هایش دو احتمالی هستند، بعضی‌هایش سه احتمالی یا چهار احتمالی و... بعضی‌هایش هم تک احتمالی هستند؛ یعنی یقین و قطع دارید که جوابش چه چیزی است. شما اول همین که یقین دارید را می‌آورید و حروفش را در جدول پر می‌کنید. اگر بر اساس این حروف، یکی دیگر هم یقینی شد آن را هم در تقاطع با این، درستش می‌کنید. وقتی چند تا از این محکماتت را نوشتی، بعد متشابهاتی که مانده است، هر کدامش دو تا حرفش، سه تا حرفش با بقیه تقاطع پیدا می‌کند و خودبه‌خود روشن می‌شود. از همین جا تا آخر جدول پیشروی می‌کنید. همین‌طور که رو به آخر می‌روی، هی مسائلت حل می‌شود. در نهایت می‌بینید تمامش را بدون هیچ شبهه‌ای حل کرده‌اید. به این‌هایی که اول یقین داشتید می‌گوییم: «محکمات»، به این‌هایی که دو احتمالی و سه احتمالی بودند می‌گوییم: «متشابهات». همه‌چیز زندگی همین است، در همه کارها محکم و متشابه کنید. محکماتش را پیاده کنید و اساس نقشه و برنامه‌تان قرار دهید، بعد متشابهات، خودش لابه‌لای این‌ها شکل می‌گیرد و معنا می‌شود. خودش کشف می‌شود. خیر و شر هم عیناً همین است. کفر و ایمان هم عیناً همین است. اول صحبتم نگفتم یک عده‌ای هر روز که می‌گذرد، روشن‌تر می‌شوند؛ بصیرتر می‌شوند؛ آگاه‌تر می‌شوند. اما یک عده‌ای هر روز که می‌گذرد گمراه‌تر می‌شوند؟ علتش همین است. جدول کلمات متقاطع این درس را به انسان می‌دهد که تا وقتی مسئله محکمات حل نشده، انسان نرود سراغ متشابهات و روی آن‌ها اقدامی نکند. ابتدا جاهای خالی که جای محکمات است را پر کند، متشابهات جای خودش را پیدا می‌کند.

دیدگاه

مدعیان یمانی در ترازوی نقد علم رجال

دست گذاشتن روی مفهوم و ابزار علم رجال برای نقد و بررسی جریان هواداران احمد اسماعیل بصری در منطقه با عنایت به اینکه این جریان از ابتدای ابراز وجود خویش در سال ۲۰۰۰م ماهیت اخباری‌گرایانه خویش را به‌خوبی بروز داده حائز اهمیت بسیار است چرا که ضعف بسیار احمد اسماعیل و پیروانش در حوزه علم رجال به نوعی این علم را به پاشنه آشیل عقیدتی این جریان کاملاً منحرف مبدل نموده است.

حجت‌الاسلام مسلم کامیاب، متخصص نقد رجالی جریان احمدالحسن در گفت‌وگو با قدس آنلاین سعی دارد این ضعف جریان دجال بصره را به‌خوبی هویدا سازد. گزیده‌ای از شگردهای این جریان را در این خصوص به روایت حجت‌الاسلام کامیاب در ادامه می‌خوانید.

■ استناد به نصوص متشابه

از آسیب‌هایی که در فهم صحیح روایات رخ می‌دهد، درآمیختگی روایات محکم و متشابه است. احادیث «متشابه» احادیثی‌اند که معانی گوناگونی را برمی‌تابند و در دلالت بر مقصود، گویایی و استواری محکمات را ندارند و از این رو، شبهه برانگیزند. بی‌گمان احادیث اهل بیت(ع) به‌ویژه آن بخش از سخنانشان که مربوط به معارف دین و اصول اعتقادی است، همانند قرین خود، قرآن کریم، محکم و متشابه دارند.

جریان احمد اسماعیل با سوءاستفاده از روایات متشابه به اثبات ادعای خود پرداخته است. به عنوان نمونه با انتخاب یکی از نقل‌های حدیث لوح و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تعداد ائمه را به ۱۳ عدد رسانده و احمد اسماعیل بصری را به عنوان قائم و امام سیزدهم معرفی کرده است.

در راه حل احادیث متشابه با تشکیل خانواده حدیث و جمع‌آوری روایات یک موضوع و نیز آیاتی که به نوعی ناظر بر موضوع آن حدیث است، امکان ارجاع روایات متشابه به محکمات فراهم می‌شود. همچنین با توجه به سایر قراین، صدر و ذیل حدیث، معنای حدیث متشابه روشن می‌شود.

■ تحریف روایات

تحریف بر وزن تفعیل و از ماده (حرف) اخذ شده و مراد از آن، عدول کردن و تمایل از شیئی به شئ دیگر است. حدیث محرف آن است که در آن، تغییری از روی جهل و سفاهت تغییردهندگان یا به صورت اضافه نمودن عبارتی به گفتار اصلی یا کم نمودن عبارتی و یا تغییر حرفی به جای حرفی دیگر که مشابه آن نیست روی داده باشد. این تحریف یا در سند روایت است و یا در متن رخ داده است. این تحریف گاهی به صورت لفظی و گاهی به شکل معنوی صورت گرفته است. به عنوان نمونه احمد اسماعیل در معرفی خود به روایتی استناد می‌کند که رسول خدا فرمود: «إذا رأیتموه فبایعوه فأنّه خلیفةالمهدی» هرگاه او را دیدید با او بیعت کنید زیرا او خلیفه مهدی است. برداشت او از این روایت آن است که خود را جانشین امام مهدی(عج) بداند. این در حالی است که اصل روایت این چنین است: «إذا رأیتموه فبایعوه فأنّه خلیفة اللّه المهدی» هرگاه او را دیدید با او بیعت کنید زیرا او خلیفه خدا مهدی است. از منظر معنوی به روایت «لَهُ اسْمَانِ اسْمٌ یَخْفَی وَ اسْمٌ یَعْلُنُ؛ دو نام دارد، یکی نهان و دیگری آشکار، امّا نام نهان احمد و نام آشکار محمد است» استناد کرده‌اند. اسم مخفی و گمنام احمد، در برابر شخصیت آشکار که امام مهدی باشد قرار گرفته است. در حالی که تصریح روایت «له اسمان» یک فرد دارای دو اسم است و نمی‌توان از یک نفر اراده دو فرد نمود.

■ مغالطه در برداشت از روایات

این جریان با ادعای اینکه برخی از روایات برخی دیگر را تفسیر می‌کنند، بی‌ضابطه و از روی مغالطه به تفسیر برخی روایات اشاره دارد. نمونه‌هایی از این شگرد را می‌توان در کتاب نقد تعدد قائمیت که به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شده ملاحظه کرد.

■ تقطیع روایات

جریان مدعی یمانی در استنادات خود به طور بی‌ضابطه روایات را تقطیع کرده است. مقصود از تقطیع حدیث، بخش بخش کردن حدیث و ذکر بخشی از آن بدون آوردن بخشی دیگر از یک حدیث است. به طور نمونه در روایتی به اوصاف احمد بصری بدین‌گونه اشاره کرده‌اند: «لَوْنُهُ لَوْنٌ عَرَبِیٌ وَ جِسْمُهُ جِسْمٌ إِسْرَائِیلِیٌ» این در حالی که اصل روایت «الْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی لَوْنُهُ لَوْنٌ عَرَبِیٌ وَ جِسْمُهُ جِسْمٌ إِسْرَائِیلِیٌ عَلَی خَدِّهِ الْأَیْمَنِ خَالٌ کَأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ» است. با عدم ذکر عبارت «عَلَی خَدِّهِ الْأَیْمَنِ خَالٌ کَأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌ» معتقد است این حدیث بر فرد دیگر یعنی احمد اسماعیل انطباق دارد زیرا خود جریان یمانی در روایت مشابه دیگری وجود خال را بر امام مهدی تطبیق داده‌اند.

■ ایجاد آشفتگی ذهنی

از جمله شگردهای مدعیان دروغین ایجاد آشفتگی ذهنی در مخاطب است. آنان با نقل روایت‌های متعدد در مورد یک مسئله، قدرت تحلیل را از مخاطب گرفته و مغالطات خود را بر مریدان و جذب‌شدگان تحمیل می‌کنند. به طور مثال یکی از پیروان احمد اسماعیل با نقل روایاتی درمورد مدت حکومت امام عصر(عج) که از هفت سال شروع شده تا ۳۰۹ سال ادامه دارد تنها به نقل روایات بدون هیچ گونه تحلیل خاصی اشاره کرده و در پایان گزینه ۳۰۹ سال را برای احمد اسماعیل برگزیده است. این در حالی است که برخی روایات آن از اساس به مسئله حکومت امام دلالت ندارد.

■ استناد به متون غیرمعتبر

یکی از مواردی که به حدیث اعتبار و ارزش می‌دهد منبع نقل آن حدیث است که همواره مورد اهتمام حدیث‌پژوهان بوده است. برای تحلیل یک منبع و اعتبارسنجی آن، مؤلفه‌هایی مانند انتساب کتاب، شهرت و مقبولیت کتاب در دوره‌های مختلف، شخصیت علمی نویسنده، حوزه و مدرسه حدیثی، اساتید و شاگردان نویسنده، ضبط، انضباط و دقت نویسنده، تحلیل شیوه نگارش، اتقان و عدم اتقان محتوایی، فراوانی مضامین مورد توجه نویسنده، بررسی مضامین مرتبط مطرح نشده، مقایسه کتاب با کتاب‌های مشابه، مقایسه مضامین موجود با کتاب‌های مشابه و بررسی متون شاذ و مستبعد وجود دارد؛ بر حسب این ویژگی‌ها می‌توان منبع را مورد قضاوت قرار داد در غیر این صورت اگر صحیح‌ترین روایت هم در منبع غیرمعتبری ذکر شده باشد ارزش چندانی ندارد زیرا احتمال دست‌ساز بودن این روایات بسیار فراوان است.

جریان یمانی بدون در نظر داشتن اعتبار و عدم اعتبار منابع و صرف وجود روایت در منبع هر چند غیرمعتبر به ترویج افکار انحرافی فرقه دست زده‌اند. برخی از این منابع از اساس از اهل سنت‌اند تا جایی که حتی در میان اهل سنت هم از اعتبار چندانی برخوردار نیستند مانند الفتن نعیم بن حماد. برخی دیگر با رویکرد غالیانه تألیف شده است مانند هدایه الکبری خصیبی. برخی دارای گرایش‌های اعتقادی خاص اسماعیلی است مانند شرح الاخبار قاضی نعمان. برخی دیگر از اساس از متون اهل سنت اخذ شده و درباره موضوع مهدویت نبوده و خود مؤلف هم بدان اعتماد نداشته است مانند التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن سید بن طاوس. گونه دیگر روایات تازه یافت در آن دیده می‌شود که در قرون اولیه در هیچ منبعی یافت نشده است مانند الزام الناصب و بشاره الاسلام؛ نمونه‌های دیگر از این روش در استناددهی این جریان وجود دارد که می‌توان به منابع منتشر شده در این زمینه مراجعه کرد.

برش

گواه باشید!

مخزومی می‌گوید: امام کاظم(ع) پیش از آنکه به زندان برود به دنبال ما فرستاد و ما را جمع کرد و فرمود: می‌دانید شما را برای چه دعوت کردم؟ گفتیم: نه. فرمود: «گواه باشید که این پسرم (علی بن موسی) وصی من و پس از من جانشین من است. هر که از من طلبی دارد از این پسرم بگیرد و به هر که وعده‌ای دادم از او بخواهد و هر کسی از ملاقات من ناگزیر است، جز به وسیله نامه او مرا ملاقات نکند».

در گفت‌وگو با نویسنده و پژوهشگر تاریخ تشیع بررسی شد

تلاش‌های امام رضا علیه‌السلام برای پیشگیری از بروز تعارض در میان علویان

محسن فاطمی‌نژاد

وجود تعارض در میان جوامع و اعصار مختلف از موارد اجتناب‌ناپذیر است. تعارض به عنوان فرایندی که فرد یا گروه به آن دچار می‌شوند، می‌تواند درون فرد یا درون گروه و یا میان افراد و یا گروه‌ها با یکدیگر رخ دهد. با اینکه تعارض در مواردی موجب رقابت و پیشرفت خواهد شد، اما در برخی موارد پیامدهای مخرب و منفی نیز خواهد داشت. در زمان امام رضا(ع) نیز در ابعاد سیاسی-اجتماعی و اعتقادی-فرهنگی، شاهد بروز تعارض‌هایی در میان جامعه و حتی درون خاندان امام رضا(ع) هستیم. فاطمه ایزدشناس، پژوهشگر تاریخ تشیع در کتاب «سیره امام رضا(ع) در رویارویی با تعارض‌های خاندان علوی» درصدد تبیین سیره امام رضا(ع) در مواجهه با تعارضات به وجود آمده درون خاندان علوی برآمده است.

او در این کتاب در پی اثبات این گزاره است که امام رضا(ع) همواره در پی پیشگیری از بروز هرگونه تعارض در جامعه و خاندانشان از طریق تبیین مسئله امامت و اعلام عدم مشروعیت حکومت و عدم همکاری با آن بودند. به باور او، امام در زمان بروز تعارض‌های سیاسی-اجتماعی موجود، با شرکت نکردن در قیام‌ها و همچنین رفق و مدارا با افراد خاندان و گره‌گشایی از مشکلات آن‌ها به رویارویی با تعارضات پرداختند و راهکارهایشان در مواجهه با تعارض‌های فرهنگی-اعتقادی، معرفی شیعه واقعی، امر به معروف و نهی از منکر، نخبه‌پروری، مبارزه با مبنای فکری نادرست و در پی آن تصحیح عقاید، گفت‌وگو و مذاکره و یا طرد افراد فرقه‌های منحرف بود.

به بهانه انتشار این کتاب، با فاطمه ایزدشناس نویسنده و پژوهشگر تاریخ اسلام گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم تا ما را بیشتر با ایده‌اش در کتاب «امام رضا و رویارویی با تعارضات خاندان علوی» آشنا کند.

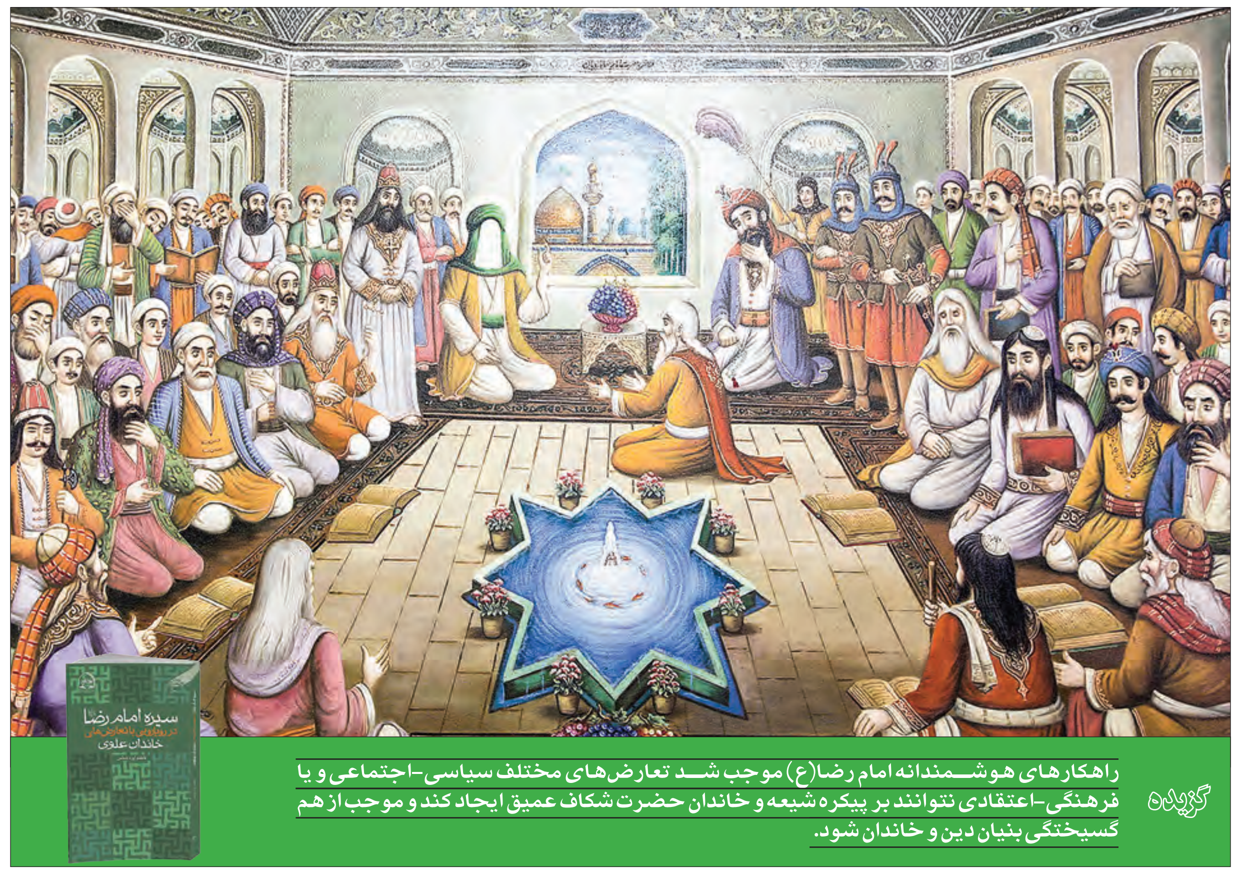

گزیده

راهکارهای هوشمندانه امام رضا(ع) موجب شد تعارض‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و یا فرهنگی-اعتقادی نتوانند بر پیکره شیعه و خاندان حضرت شکاف عمیق ایجاد کند و موجب از هم گسیختگی بنیان دین و خاندان شود.

■ به طور خلاصه امام رضا(ع) با چه تعارض‌هایی درون خاندان علوی مواجه بودند و در این مسیر چه روش‌هایی را به کار گرفتند؟

از آنجایی که درون هر خانواده و یا اجتماع ممکن است تعارض‌هایی وجود داشته باشد، وجود تعارض در خاندان امام رضا(ع) نیز باوجود تمامی تلاش‌های حضرت برای پیشگیری از بروز آن‌ها، اجتناب‌ناپذیر بود. با توجه به شرایط و اوضاع آن زمان تعارض‌هایی که حضرت درون خاندان با آن‌ها روبه‌رو شدند، عبارت بودند از: تعارض‌های سیاسی-اجتماعی که شامل تعارض در عرصه قیام‌ها، تعارض مربوط به مسائل اقتصادی و در پی آن‌ها تعارض‌های خویشاوندی می‌شدند و همچنین تعارض‌های فرهنگی-اعتقادی نظیر تعارض‌های ناشی از پدید آمدن دو فرقه واقفیه و زیدیه.

البته حضرت از هیچ تلاشی برای پیشگیری و مواجهه با تعارض‌های درون خاندانی فروگذار نکردند. پرداختن به همه این تعارض‌ها و راهکارهای حضرت در این مجال ممکن نیست ولی به طور خلاصه می‌توان راهکارهای پیشگیرانه امام را عبارت از این موارد دانست: تبیین مسئله امامت، اعلام عدم مشروعیت حکومت، عدم رضایت از پذیرش ولایتعهدی. حضرت در مواجهه با تعارض‌های سیاسی-اجتماعی از راهکارهایی چون شرکت نکردن در قیام‌ها، همکاری نکردن با حکومت، مدارا با خاندان و گره‌گشایی از کار آن‌ها استفاده کردند. راهکارهای حضرت در مواجهه با تعارض‌های فرهنگی-اعتقادی شامل معرفی شیعه واقعی، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه و برخورد با مبنای فکری نادرست و تصحیح عقاید، گفت‌وگو و مذاکره، تذکر و انتقاد، طرد کردن و مبارزه با انتشار عقاید نادرست بود.

راهکارهای هوشمندانه امام رضا(ع) موجب شد تعارض‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و یا فرهنگی-اعتقادی نتوانند بر پیکره شیعه و خاندان حضرت شکاف عمیق ایجاد کند و موجب از هم گسیختگی بنیان دین و خاندان شود. با نگاهی گذرا به سیره امام رضا(ع) در مواجهه با تعارض‌های درون خاندانی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که برخی از عوامل بروز تعارض‌های درون خاندانی عبارت بودند از: عدم شناخت جایگاه امامت، ناسازگاری در اهداف امام و افراد، تفاوت در ادراک دین به دلیل بی‌توجهی به امام معصوم در جهت شناخت و معرفت صحیح از دین، جاه‌طلبی برخی از افراد، سوءاستفاده از مقام و موقعیت و...

تعارض مدنظر بنده در این اثر، از جنس تعارض مضر با پیامدهای منفی بوده نه تعارض با کارکرد مثبت؛ برخی از پیامدهای منفی ناشی از این تعارضات را می‌توان این‌گونه نام برد: ایجاد مانع بر سر راه اهداف امام رضا(ع) در تبلیغ دین و آموزش عقاید دینی و فرهنگی اسلام ناب، از هم گسیخته شدن یکپارچگی شیعیان امامیه به عنوان افراد و اعضای یک گروه به دلیل ایجاد انشقاق و در نتیجه انشعاب به فرقه‌های مختلف عقیدتی و سیاسی.

■ ریشه تعارض‌هایی که در کتاب به آن اشاره کرده‌اید بالطبع به پیش از دوران امام رضا(ع) برمی‌گردد. این تعارض‌ها از کجا نشأت می‌گیرند؟

جرقه‌های ایجاد تعارض میان علویان و جدایی و انشقاق میان آنان را می‌توان پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) در مسئله امامت جست‌وجو کرد که البته پرداختن به آن در این فرصت امکان‌پذیر نیست به همین دلیل می‌توان تعارض‌های پس از شهادت امام حسین(ع) در میان علویان را اجمالاً مورد بررسی قرار داد. علویان در گذر تاریخ انشعاباتی پیدا کردند و پس از شهادت امام حسین(ع) عده‌ای محمد حنفیه را بزرگ علویان دانستند و به امامت او و سپس فرزندش ابوهاشم اعتقاد پیدا کردند و به کیسانیه معروف شدند. عده‌ای نیز امام سجاد(ع) را امام خود دانستند. پس از شهادت امام سجاد(ع) برخی امامت امام محمد باقر(ع) را پذیرفتند اما برخی به پسر دیگر امام سجاد(ع) زید گرویدند و موسوم به زیدیه شدند. پس از شهادت امام جعفر صادق(ع) علاوه بر کسانی که امامت امام کاظم(ع) را پذیرفتند، برخی اسماعیل، پسر بزرگ امام صادق(ع) که در زمان حیات پدر از دنیا رفته بود را امام خود دانستند و به اسماعیلیه معروف شدند. در زمان امام رضا(ع) نیز غیر از کسانی که بر امامت ایشان اذعان داشتند عده‌ای بر امامت امام کاظم(ع) توقف کردند که به واقفیه مشهور شدند.

از طرفی خاندان علویان که همواره با اقسام مشکلات و فشارها و آزارها و اذیت‌ها از سوی امویان و سپس عباسیان مواجه بودند، علیه حاکمان زمان خویش به مبارزه برمی‌خاستند. در این زمینه از نظر سیاسی و فکری به دو شاخه حسنیان و حسینیان منشعب شدند. شاخه حسنیان شامل فرزندان امام حسن(ع) و شاخه حسینیان شامل فرزندان امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) می‌شدند. از این‌رو در جریان قیام‌های ضد اموی، فرزندان امام حسن(ع) نیز از فرزندان امام حسین(ع) جدا شدند و در این راستا شاهد بروز تعارض سیاسی میان خاندان علوی هستیم و هر یک از این دو گروه از علویان تحت زعامت جداگانه‌ای قرار گرفتند.

با توجه به نوع نگرش این دو طیف در مبارزه و سیاست و در ادامه به‌وجود آمدن یکسری عقاید متفاوت با اعتقادات و آموزه‌های ائمه، انشقاق‌ها و تعارضات عقیدتی در خاندان علوی به‌وجود آمد و موجب بروز فرقه‌ها و در نتیجه شکاف و رقابت عقیدتی و سیاسی میان آن‌ها شد. زیرا در مقابل اعتقاد حسنیان بر قیام و حرکت‌های مسلحانه، اعتقاد امامیه و برخی از حسینیان بر این بود که علاوه بر امامت دینی، زعامت سیاسی هم از آن شخص امام معصوم(ع) است اگرچه قیام علنی و مبارزه مسلحانه علیه حکومت جور نداشته باشد.

به بیانی دیگر در میان فرقه‌های شیعه برخی امامت را ضرورتی دینی و الهی و برخی نیز ضرورت سیاسی می‌دانستند و برخی نیز به هر دو آن‌ها معتقد بودند. یعنی برخی از علویان همان شیعیانی بودند که قائل به امامت منصوص امام معصوم(ع) از سوی رسول خدا(ص) بودند و برخی دیگر از علویان شاخصه‌هایی دیگر چون صرف علوی و فرزند و خویشاوند بودن با پیامبر(ص) به همراه قیام به شمشیر در بعد سیاسی را برای مسئله زعامت کافی می‌دانستند. وجود چنین تعارضاتی میان علویان موجب تیرگی روابط با امامان معصوم شد.

■ تعارض‌ها و نحوه مواجهه با آن درون خاندان تا کجا پیش رفت و جنس مواجهه با آن چگونه بود؟

تعارض در اینجا بدین معناست که در تعامل میان افراد این خاندان و یا آن‌ها با دیگران، بر سر منافع اسلامی و انسانی، به نوعی اختلاف و عدم توافق وجود داشته است. با توجه به اینکه تعارض دارای لایه‌های مختلفی است و از مرحله عدم توافق به خشونت و سپس به جنگ می‌انجامد؛ باید گفت تعارض‌های درون خاندانی علویان در مرحله عدم توافق بوده است و به این مرحله که علویان با یکدیگر به جنگ بپردازند، کشیده نشد. اما تعارض میان خاندان علوی و خلافت عباسی در مرحله خشونت و جنگ قرار گرفت. در خاندان علوی، حتی میان برخی از افراد خاندان با امام رضا(ع) نیز تعارض و اختلاف وجود داشت. بروز تعارض از مسائل اجتناب‌ناپذیر است؛ اما امام رضا(ع) به عنوان یکی از افراد این خاندان و به‌خصوص به عنوان امام و پیشوای دینی همواره درصدد پیشگیری از بروز تعارض در اجتماع و خاندان خویش بوده است زیرا بهترین راه مواجهه با مشکلات و به طور خاص، تعارض، پیشگیری از وقوع آن است.

■ از موضوعاتی که ذیل سرفصل‌های کتاب به آن اشاره کردید ولی کمتر به آن توجه شده، مواردی چون مواجهه با تعارض‌های اقتصادی درون خاندان است، این تعارض‌ها از کجا نشأت می‌گیرد؟

مسئله اقتصادی و دنیاپرستی همواره یکی از عوامل بروز تفرقه، تعارض و دشمنی بوده است. در این میان خاندان علوی نیز مستثنا نبوده است. رقابت برای رسیدن به منافع محدود در این زمینه نیز از جمله علل بروز تعارض شد.

برای نمونه می‌بینیم امام کاظم(ع) به شخصی از علویان به نام علی بن اسماعیل بن جعفر الصادق(ع) که برادرزاده ایشان و پسرعموی امام رضا(ع) ولی از افراد خودفروخته و فریب‌خورده خاندان علوی بود، کمک مالی و هدایایی داد تا او را از طمع در دنیا و طرح دوستی با هارون منصرف کند. اما این شخص در مقام سعایت از امام کاظم(ع) به یحیی بن خالد گفت: اموال از شرق و غرب به سوی او سرازیر است که در خزانه‌هایی نگهداری می‌کند و زمینی را به قیمت ۳۰هزار دینار خریده است.

حتی هنگامی که امام کاظم(ع) به شهادت رسید و امامت امام رضا(ع) آغاز شد؛ فرقه‌ای به نام واقفیه پدید آمد که بر امام کاظم(ع) توقف کردند و امامت امام رضا(ع) را نپذیرفتند. یکی از دلایل بروز و به وجود آمدن این فرقه مسائل اقتصادی بود. انگیزه اقتصادی وقوف‌کنندگان را می‌توان یکی از عوامل برجسته و مهم پیدایش این فرقه دانست. زیرا هنگامی که امام هفتم(ع) به شهادت رسید، مبالغ زیادی از وجوهات شرعی و هدایای مردم نزد نمایندگان و وکلای حضرت جمع شده بود. گفته شده تنها نزد دو تن از آن‌ها ۱۰۰هزار دینار جمع شده بود.

عده‌ای از خواص شیعه و برخی از بزرگان اصحاب امام کاظم(ع) فریفته مال دنیا و مادیات شدند و طمع تصاحب در اموال موجب شد از دنیا رفتن امام را انکار کنند. انگیزه مال‌اندوزی در آن‌ها با انگیزه‌های دینیشان در تضاد و تعارض قرار گرفت و سرانجام دنیاطلبی غلبه یافت. آنان به انحراف کشیده شدند و انشقاقی در شیعه رقم خورد.

با اینکه امام رضا(ع) با استدلال‌های قوی آن‌ها را از این کار منع می‌کرد و دستور بازگشت اموالی که نزدشان بود را صادر کرد، اما آن‌ها از اطاعت فرمان امام سر باز زدند. عثمان بن عیسی رواسی از جمله نمایندگان و وکلای امام کاظم(ع) بود که تسلیم مطامع دنیوی شد و به بهانه زنده بودن امام، سخنان امام رضا(ع) مبنی بر از دنیا رفتن و تقسیم میراث پدرش را نپذیرفت. او به امام رضا(ع) نوشت: «اگر پدرت وفات نیافته از این اموال چیزی به تو نمی‌رسد و اگر هم بنابر آنچه می‌گویی وفات یافته مرا امر نکرده چیزی به تو بدهم و کنیزان را آزاد کرده‌ام و آن‌ها را شوهر داده‌ام».

از طرفی در آن زمان علویان براساس سیاست عباسیان، زیرفشار اقتصادی شدید بودند. مشکلات مالی فراوان در میان علویان موجب لغزش‌هایی از سوی آن‌ها در برخوردشان با امام رضا(ع) شد. به عنوان نمونه برادر امام رضا(ع) عباس بن موسی از جمله علویانی بود که مشکلات مالی و اقتصادی بر او غلبه کرده و دارای بدهی بود. شاهد این مدعا سخن امام رضا(ع) با او درباره شکایتش از امام درزمینه وصیت‌نامه امام کاظم(ع) است.

امام رضا(ع) با عباس همدردی نموده و دلیل کار ناشایست او را مشکل مالی معرفی می‌کند. امام به او فرمود: ای برادر می‌دانم بدهکاری و دیون به شما فشار آورده و شما را به این کار و کشمکش واداشته است. همچنین هنگامی که برادر دیگر امام رضا(ع)، ابراهیم بن موسی نیز دچار مشکلات مالی بود؛ امام به یاری‌اش شتافت و به او کمک مالی کرد. با این حال مسائل اقتصادی سبب شد عباس بن موسی و تنی چند از برادرانش امام رضا(ع) را به دادگاه بکشانند. می‌توان گفت از جمله عوامل بروز تعارض میان امام رضا(ع) و علویان، مسائل اقتصادی، ضعف اعتقادی و انگیزه‌های سیاسی بود. حتی بستگان نزدیک حضرت نیز از این امور مستثنا نبودند و در اهداف و روش و نوع عملکرد خود با امام رضا(ع) در تعارض قرار گرفتند.

إنّ ممّا تزین الاسلام الاخلاق الحسنه فیما بین الناس

خوش اخلاقی در بین مردم زینت اسلام است.

نیم نگاه

تقریری بر معنای خشوع در تلاوت قرآن

چندی پیش حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در مورد تلاوت قرآن چنین بیان کرده بود: «بنده معتقدم صوت عراقی از صوت مصری برای گریه کردن مناسب‌تر است. قرآن باید با گریه توأم شود؛ پیامبر(ص) چند جوان انصار را دیدند و فرمودند: من آیات پایانی سوره زمر را می‌خوانم هر کدام گریه کردید بهشت را بر شما تضمین می‌کنم. پیامبر(ص) قرائت فرمودند و یکی از آن‌ها گفت من گریه‌ام نمی‌گیرد، به وی فرمودند: خودت را به گریه بزن و بهشت را برای او هم تضمین فرمودند».

این صحبت‌ها موجب شد خبرگزاری ایکنا به تبیین مفهوم خشوع در تلاوت و نسبت آن با حزن و اشک ریختن بپردازد و تلاوت خاشعانه و راه‌های حصول آن را با افراد صاحبنظر در میان بگذارد. گزیده‌ای از این گزارش را می‌خوانید.

■ خشوع به چه معناست؟

یکی از محوری‌ترین مسائل در این زمینه تعریف خشوع و خشیت و نسبت آن با حزن است. آیت‌الله محمدباقر تحریری در این زمینه معتقد است: خاصیت ایمان انسان مؤمن این است که در برابر ذات اقدس الهی حالت کوچکی احساس می‌کند. حالت خشوع، تأثر خاص قلبی است که در برابر یک موجود با عظمت برای انسان به وجود می‌آید که این شخص خودش را در برابر او کوچک می‌بیند؛ چون نماز اظهار خضوع تام در برابر خداوند متعال است به فرد نمازگزار برای پیش از نماز، حین نماز و بعد از نماز دستوراتی داده‌اند که موظف است آن‌ها را انجام دهد که این‌ها نمودارهایی هستند از باور انسان به عالم غیب و خدایی که کمال مطلق و محیط به همه موجودات است. حال هر چقدر این توجهات برای نمازگزار و یا خواننده قرآن بیشتر باشد و در قلب او به صورت باور شکل بگیرد، روح نیز از این توجهات تأثیر می‌پذیرد که این تأثیر را خشوع می‌گویند.

این استاد اخلاق در مورد گریستن در هنگام تلاوت هم بر این باور است که در روایات بحث حزن و گاهی هم بحث گریه کردن هنگام قرائت قرآن مطرح می‌شود که این حزن نتیجه آن حالت خشوع است و گاهی هم نتیجه خشیت می‌شود. گریه هم اینچنین است که در وجود انسان دارای اقسامی و زمینه‌های مختلفی است؛ یکی از زمینه‌های مطلوب آن این است که خشیت الهی انسان را به گریه بیندازد و انسان عظمت خدای متعال را درک کند.

در روایات نیز توصیه شده قرآن را با حزن بخوانید، خاصیت حزن نیز این است که انسان را به فکر وا می‌دارد. رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ»، قرآن با حزن نازل شده، به این معنا که نزول قرآن برای دگرگونی است که ما متوجه خودمان و آن جایگاهی که خداوند برای ما قرار داده شویم. این حزن مانند حالتی است که انسان در طول روز کار می‌کند اما نمی‌داند نتیجه کارش چیست در نتیجه این نگرانی حزن به وجود می‌آید. حزن حقیقی در واقع این نگرانی است که انسان فکر کند و ببیند این سیر وجودی‌اش به کجا منتهی می‌شود، قرآن این سیر وجودی را برای ما بیان می‌کند.

در نتیجه، حقیقت قرائت قرآن برای حصول به خشوع و خشیت است که همراه با حزن نیز باشد و گاهی هم ممکن است به بکا و گریه بینجامد، از این رو می‌بینیم وقتی ائمه(ع) قرآن می‌خواندند مستمعان را مجذوب می‌کردند. در روایت است وقتی امام حسن(ع) قرآن تلاوت می‌کردند کوچه‌ای که منزل ایشان در آنجا واقع شده بود بسته می‌شد، علت هم این بود که آن تأثیر حقیقی را در جان‌ها داشت و ائمه(ع) با آن هدف عالی حرکت می‌کردند. بنابراین در روایات برای قرائت قرآن نشانه‌هایی را بیان فرموده‌اند که آثاری هم بر آن مترتب کرده‌اند.

■ پیامبر(ص) در هنگام تلاوت گریه نمی‌کردند

به باور محمدعلی لسانی فشارکی، محقق و پژوهشگر قرآنی پیامبر(ص) در هنگام تلاوت گریه نمی‌کردند. بر همین اساس تحلیل ایشان چنین است: اگر بخواهید یک حدیث ولو جعلی پیدا کنید که بگوید پیامبر(ص) وقتی بر مردم قرآن را تلاوت می‌کردند -در نماز یا خارج از نماز- می‌گریستند، نمی‌توانید پیدا کنید. مورد معتبری را داریم که پیامبر(ص) از شنیدن صدای تلاوت قرآن منقلب شدند، اما اینکه رسول خدا(ص) در حال تلاوت گریه می‌کردند، نداریم.

عده‌ای خیال می‌کنند تلاوت قرآن با حزن یعنی با اندوه خواندن که گویی عزیزی را از دست داده است، اما حزن مورد نظر هیچ ارتباطی با غم و اندوه ندارد. مهم‌تر اینکه باید فضای صدور این روایات نیز مورد بررسی قرار گیرد.

البته اگر من این حرف‌ها را بزنم ارزشی ندارد. علما باید بگویند علت اینکه گفته شده قرآن با حزن نازل شده پس آن را با حزن بخوانید، مراد این است زمینه، زمینه‌ای بوده که دیدند قرآن را به گونه‌ای می‌خوانند که گویی رها و آزاد و شاد است و با این حدیث به دنبال این بودند این روش خواندن تصحیح شود. این روایات به دنبال آن است که بگوید قاری در هنگام تلاوت قرآن بی‌غم و آزاد و رها، گویی که بر فراز ابرهاست نباشد. قرآن طبیعتش بغض‌آلود است؛ این مسئله نیز به قرآن‌شناسی برمی‌گردد که طبیعت کلام خدا بغض‌آلود است و به حالت طرب و رقصیدن و... نیست؛ این یکی از جنبه‌های معنایی این دست روایات است، اما فهم متعارف از این روایات در مسیر دیگری افتاده است.

■ منظور از تلاوت با حزن تلاوت با غم و اندوه نیست

محمدرضا ستوده‌نیا، عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان هم بر این باور است که نمی‌توان از روایات چنین استنباط کرد که باید قرآن را با حالت غم خواند. در صحبت‌های این استاد دانشگاه آمده است: اگر منظور از حزن، غم و اندوه باشد که کتاب خدا را با غم و اندوه بخوانید طبیعتاً صحیح نیست، کما اینکه در پژوهش‌هایی که داشته‌ایم و این مورد را بررسی کرده‌ایم، به این نتیجه رسیدیم حزنی که مدنظر روایات است غیر از غم و اندوه است، بلکه احتمالاً منظور از آن تأثیر و تأثر است.

قرآن برای اثرگذاری در نفوس بشر نازل شده است. قاری هم باید همان‌گونه که نازل شده، آن را تلاوت کند و طوری بخواند که اول خودش از کلمات وحیانی قرآن متأثر شود و سپس دیگران را متأثر کند؛ این اثرپذیری و اثرگذاری همان حزن است.

■ خودسازی، مقدمه رسیدن به خشوع

مرحوم آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری، مفسر قرآن هم در مورد خشوع در تلاوت معتقد بود: تنها راه رسیدن به خشیتی که لازمه قرائت مطلوب قرآن محسوب می‌شود خودسازی است، اگر قاری قرآن، مشمول این آیه شود که خداوند می‌فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» حتماً به مرتبه خشوع نیز نخواهد رسید. با این اوصاف اگر انسان بخواهد حالت خشوع پیدا کند و به تبع آن، تلاوت اثرگذار ارائه نماید باید حداقل مرتبه‌ای از خودسازی را طی کرده باشد. همان‌طور که آیت‌الله بهجت(ره) نیز می‌فرمودند: اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ/ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ/ وَ الَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» در واقع این ارتباط بین آیات به این معناست که حاصل شدن خشوع در نماز با اجتناب از کارهای لغو بدست می‌آید.

برش

دینتان را به او بسپرید

امام کاظم(ع) همواره پسران خود را به حمایت و یاری و اطاعت از امام رضا(ع) سفارش می فرمودند. ابوصلت هروی از اسحاق بن موسی بن جعفر(ع) روایت کرده که گفت از پدرم موسی بن جعفر(ع) شنیدم که به پسران خود فرمود: «این علی بن موسی برادرتان، عالم آل محمد است. پس دین‌هایتان را از او بپرسید و هرچه به شما گوید آن را حفظ کنید. زیرا مکرر از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرمود: عالم آل محمد در صلب تو است و ای کاش او را می‌دیدم و او علی امیرالمؤمنین نامیده می‌شود».

۱ رپرتاژ آگهی
۲ آگهی های تبلیغاتی
۳ توزیع خاص مشهد و شهرستان‌ها
۴ تولید محتوا و آفیش مراسمات
۵ تبلیغات محیطی
۶ دیجیتال مارکتینگ
۷ نشست های خبری و مراسم رونمایی

قدس
سازمان آگهی‌های روزنامه قدس
بهترین ایده‌های تبلیغاتی
با ما تماس بگیرید
۳۷۰۸۸

آگهی مفقودی

اینجانب صدیقه ناصری مالک خودرو وانت پیکان تیپ ۱۶۰۰ رنگ سفید مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۵۲ ۸۳۴ ط۱۲ به شماره بدنه NAAA46AA0BG147429 به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۵۷۷۰۵ به علت فقدان اسناد تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

۴۰۱۰۴۱۱۵

آگهی مفقودی

کلیه مدارک خودرو سواری پژو آردی مدل ۱۳۸۲ رنگ سبز یشمی روغنی به شماره موتور ۱۱۷۸۲۰۰۴۱۰۸ و شماره شاسی ۸۲۱۳۰۸۱۹ و شماره انتظامی ۸۸۵ ب ۲۶ ایران ۴۲ به مالکیت حسین حیدری برزو مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

۴۰۱۰۴۱۴۲

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ 131SL به رنگ نقره‌ای – متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور ۴۳۷۶۲۰۲ به شماره شاسی S3412290388497 به شماره پلاک ۲۶۱ ص ۲۲ – ایران ۹۵ بنام عبدالمجید ساربانی مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد /ایرانشهر/

۴۰۱۰۴۱۱۲

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب حسین یحیایی الیزه فرزند کریم به شماره ملی ۲۶۵۰۱۰۷۵۱۰ صادره از رودبار در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی تکنولوژی برق قدرت صادره از دانشگاه صنعتی سجاد به شماره ۳۵/ن/۹۴ تاریخ ۹۴/۹/۱۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه صنعتی سجاد به آدرس .مشهد بلوار جلال آل احمد ۶۴ ارسال نماید.

۴۰۱۰۴۰۹۳ف

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو 405GLX مدل ۱۳۸۱ رنگ یشمی متالیک به شماره موتور ۲۲۵۲۸۱۰۲۶۳۰ و شماره شاسی ۸۱۳۰۴۴۴۱ و شماره انتظامی ۲۱۹ ط ۴۱ ایران ۳۲ به مالکیت حسن قاضی زاده قوچان کهنه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

۴۰۱۰۴۱۴۴

آگهی مفقودی

مدرک موقت پایان تحصیلات اینجانب غزاله شریعت فر فرزند حسین با شماره شناسنامه ۷۷۷ صادره از مشهد و کد ملی ۰۹۴۱۴۲۷۱۷۱ در مقطع کارشناسی پیوسته رشته طراحی صنعتی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: استان خراسان رضوی ،شهرستان مشهد، امامیه ۴۲ سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایید.

۴۰۱۰۳۳۰۱

حوزه ثبت ملک ناحیه دو رشت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۸۶۰۳۰۰۲۲۶۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه ۲ رشت ، تصرفات مالکانه بلامعارض آقای ابراهیم احمد ناطور فرزند اسرافیل به شماره شناسنامه ۱۹۳ صادره از خلخال در قریه شالکو در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۲۰۲/۴۷ متر مربع پلاک فرعی ۴۱۴۲۷ از اصلی ۷۷ مفروز مجزی از پلاک ۴۲۵ از اصلی ۷۷ واقع در بخش چهار رشت خریداری از مالک رسمی آقای غلامحسین غلامرضا پور محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۵۳۵ آ ۴۰۱۰۳۲۰۸

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۱/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

سعید بدوی-رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو رشت